



موسیقی فیلم

گفتگو با پال هرقل، آهنگساز اتریشی
سازنده موسیقی متن فیلم «خاکستر سبز» اثر
ابراهیم حاتمی کیا
گفتگو کننده: اردشیر طلوعی



● برای آشنایی لطفاً از خودتان بگویید.

- تحصیلاتم در آکادمی موسیقی وین بود. در کنارش تحصیلات دیگری هم داشتم که حاصلش دکترای تئاتر بود. اکنون آهنگساز مستقلی هستم. هم در موسیقی کلاسیک و هم برای فیلم، تلویزیون و تئاتر.

● چه تعریفی از موسیقی فیلم دارید؟

- یکی از پایه‌های اساسی دراماتیکی فیلم است. موسیقی فیلم می‌تواند همراه باشد، اطلاع قبلی بدهد و احساس شخصیت فیلم را القا کند.

● نظرتان در مورد یک فیلم بدون موزیک چیست؟

- اگر به تاریخ سینما نگاه کنیم، می‌بینیم که در فرهنگ فیلم و سینما، موسیقی نقش اساسی داشته است. به راحتی نمی‌توان در این باره قضاوت کرد. موسیقی متن تنها در صدا خلاصه نمی‌شود، فضا هم جزئی از آن به حساب می‌آید.

یکی از بهترین مثالها در این رابطه فیلم مهاجر از ابراهیم حاتمی‌کیاست. در یکی از سکانسهای فیلم وقتی آن شخص پروانه هواپیما را می‌چرخاند، در مقابلش تیراندازی صورت می‌گیرد. یک استفاده دراماتیک درست از صدا جای موسیقی قرار گرفته است. مثال دیگر در فیلم از کرخه تا راین و در صحنه‌های جنگ است که صدای طبل بر روی آن حلی خود یک حالت دراماتیک است.

فیلم بدون موسیقی و صدا، صامت است و ما عادت داریم که در فیلم حتماً صدایی بشنویم.

● آیا در فیلم، موسیقی باید ارکسترال باشد؟

- بستگی به فیلم دارد. برای نمونه، در فیلم خاکستر سبز در برخی صحنه‌ها تنها از یک ساز و در بعضی صحنه‌های دیگر از یک ارکستر استفاده شده است.

● در «خاکستر سبز» یک قسمت به عنوان



ایده فیکس یا لایت موتیف با سه تار اجرا می‌شود؛ چطور با یک ساز ایرانی ارتباط یافتید؟ - دو سال پیش که برای نخستین بار همراه یک هیئت اتریشی به «جشنواره فجر» دعوت شدم، آلبوم بزرگی از موسیقی ایرانی را هدیه گرفتم که شنیدن نوارهای این آلبوم روی من خیلی تأثیر گذاشت.

در فیلم خاکستر سبز این فضاهای شرق است که جمع کرده‌ام. احساسات شخصی من است. من به عنوان آهنگساز فیلم نمی‌توانم موسیقی شرقی را تقلید کنم.

● آن تکه‌ای که با سه تار اجرا می‌شود، خیلی زیباست. آیا هر آهنگسازی می‌تواند با توجه به دانش موسیقی، موسیقی هر منطقه جغرافیایی را بسازد؟

- باید دید که برای دراماتیکی کردن، چه چیزهایی لازم است. از جمله مهمترین کارهای من، دیدن راشهای فیلم برای برقرار کردن یک رابطه حسی با آن است. در مرحله بعد از فاین کات، کار اصلی شروع می‌شود. در این مرحله، موسیقی - حتی برای فریمها هم - باید حساب شده باشد.

روی موسیقی باید خیلی کار کرد و آن را یاد گرفت. آهنگساز باید دقیقاً بداند که موسیقی برای چه ساخته می‌شود. تماشاگرش کیست؟ اما اینکه چه موقع تم موسیقی یک فیلم به دست می‌آید، باید گفت که یک امر خدایی است، چیزی که الهام می‌شود.

● از زمان سفارش موسیقی فیلم به شما، تا مرحله‌ای که آن را بسازید، چه کارهایی می‌کنید؟ - ابتدا سناریوی فیلم را می‌خوانم. گاه پس از خواندن آن، موسیقی صحنه‌ها به ذهنم می‌رسد. هر جا که بتوان موسیقی داشت، برایش نت می‌نویسم.

● شما تعیین می‌کنید کجا موسیقی باشد یا کارگردان؟

- وقتی یک کار گروهی را با هم شروع می‌کنیم، در مرحله خواندن سناریو، پیشنهاد اتمان را با هم رد و بدل می‌کنیم. من دوست دارم کار کارگردان را سر صحنه ببینم. با دیدن راشها، آهنگساز قدم به قدم جلو می‌رود و موسیقی کامل می‌شود.

● در زمان اجرا چطور عمل می‌کنید؟ مثلاً اگر یک ویولون سل، یک ویولون آلتو و یک پیانو داشته باشید، این سازها را تک تک ضبط کرده و بعد میکس می‌کنید، یا با هم اجرا و ضبط می‌کنید؟

- بستگی به موقعیتی دارد که در فیلم به وجود آمده است. مهم نیست که سازها تک تک ضبط شده یا با هم نواخته شده باشد، مهم نتیجه کار است. در آکادمی یاد می‌دهند که چطور باید با سازها کار کرد. مثلاً موتزارت اتریشی چگونه ابوا را در ارکسترش جای داد. در آکادمی یاد می‌گیریم که این سازها را چطور کنار هم بگذاریم. این فرم کلاسیک اجرای یک ارکستر است. امروزه می‌توان بدون استفاده از فیلتر، سازها را تغییر داد؛

یعنی تنها از طریق جاسازی میکروفن‌ها و بازی کردن با صدا، فرم‌ش را تغییر داد. این تصمیم‌ها در زمان صدابرداری گرفته می‌شود.

● موسیقی این فیلم خیلی انرژی‌ک بود، آیا همه کارهایتان این طور است؟

- این فیلم خیلی انرژی می‌خواهد، به خاطر همین انرژی دارد.

● آن قطعه که سه تار است و از گوشه‌های موسیقی ایرانی استفاده شده، درونیت از سایر جاهاست. ملودیهای بوسنی و کلاً ملودیهای غربی ذاتاً با موسیقی ایرانی این تقابل را دارد که برونگرا هستند.

- منظورتان این است که موسیقی بوسنی ظاهری و موسیقی ایرانی درونی است؟

● بله، منظورم موسیقی غربی است.

- شما حس می‌کنید که موسیقی برای «هادی» درونی است و با سایر موسیقیهای این فیلم فرق دارد؟

● من بویژه لایت موتیفش را می‌گویم. خیلی درونی و خیلی متفاوت با سایر قسمت‌ها بود. مثلاً در درگیریها، یک تکه موسیقی داشتیم که به موسیقی افکتیو تنه می‌زد. اما وقتی لایت موتیف سه تار پخش می‌شد، دقیقاً درونگرا بود.

- در درگیری شبانه؟

● آنجا که می‌روند خانه روی تپه را بگیرند.

- درست است. این تفاوت حتماً وجود دارد.

● آیا با سینتی سایزر رابطه‌ای حسنه دارید؟
- با سینتی سایزر نمی‌توان رابطه داشت،

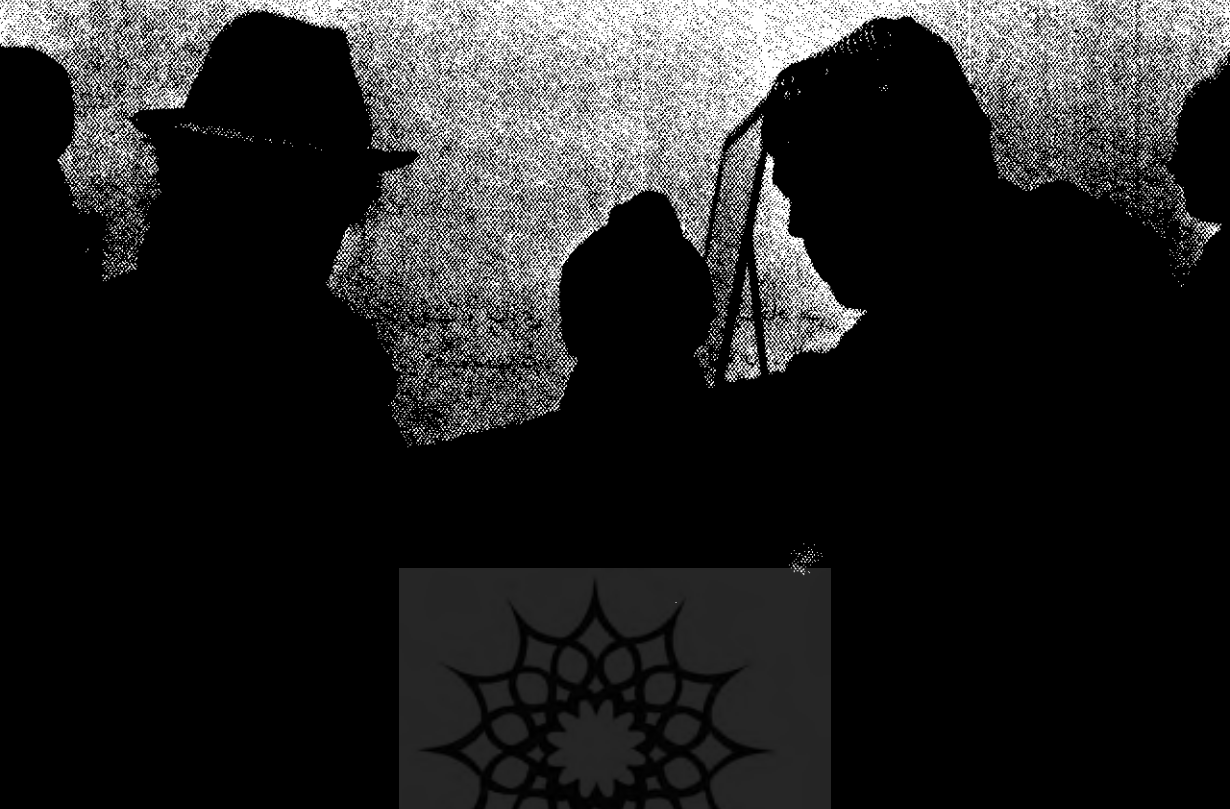
صداهایی که ایجاد می‌کند الکترونیکی است. صداهای اولیه به سالهای سی برمی‌گردد که به نوعی از سازهای الکترونیک استفاده شده است.

در سالهای پنجاه هنگامی که کار با سینتی سایزر را شروع کردم، سعی داشتم صداهایی جدید بسازم - این یک واقعیت است که برای ایجاد صداهای جدید در موسیقی وجود این دستگاه لازم است. استفاده بی‌هدف از سینتی سایزر خصوصاً اگر تقلیدی باشد و تقلید بدی هم باشد، ارزشی ندارد. ولی اگر از سینتی سایزر صدایی که معمول نیست هم تولید شود، چون با هدف است، بجاست.

شخص آگاه و با هدف، می‌تواند علاوه بر سازهای زنده، از سینتی سایزر هم برای تولید صداهایی که ممکن است وجود خارجی نداشته باشد استفاده کند. می‌تواند با سینتی سایزر تجزیه، تحلیل و ترکیب خوبی هم داشته باشد. مهم این است که ببینیم در فیلم به چه صدایی نیاز است.

● طی این دو سال تا چه اندازه با موسیقی ایرانی آشنا شدید؟

- امیدوارم در فیلم حس شود که تا چه حد به موسیقی شرق نزدیک شده‌ام و چقدر موسیقی شرقی را احساس کرده‌ام. موسیقی ایرانی خیلی احساسی و متنوع است و نمی‌توان ظرف دو سال آن را دقیق شناخت. عکس اینهم صادق است، یعنی ظرف دو سال نمی‌توان همه چیز موسیقی کلاسیک غرب را شناخت.



● منظورتان از عمیق بودن موسیقی ایرانی چیست؟ منظورتان عرفان موجود در این موسیقی است؟

- در دو سه کلمه نمی‌توانم بگویم. احساسی که انسان می‌تواند از موسیقی داشته باشد، احساسی عمیق است. به معنای تام، دنیا یکی است. زبان یکی می‌شود زیرا حرف، حرف انسان است.

اگر ما از «هادی» حرف می‌زنیم و از خاکستر سبز، وقتی بخواهیم «هادی» را در عرفان پیدا کنیم، می‌شود در این رابطه از عرفان حرف زد. در این فیلم انسان در نقطه‌ی ثقل است، اگر در خارج از ایران هم پخش بشود، از آنجایی که انسانها می‌توانند ارتباطی به معنای عرفانی با آن برقرار کنند، به هم نزدیک می‌شوند. در اینجا موسیقی می‌تواند کمک کند و احساسهای مشترک را احیا

کند. این خواسته کارگردان می‌تواند به بیننده القا شود. از جمله قدرتهای باارزش حاتمی‌کیا، احساسها و انرژی ویژه‌ای است که دارد.

● این موسیقی [ایرانی] تا چه حد قابلیت دراماتیزه شدن دارد؟ آیا قادر است فضای دراماتیکی خلق کند؟

- این در ایران ثابت شده است. با موسیقیهای متنی که شنیدم، فکر می‌کنم بعضی آهنگسازان، خیلی خوب توانسته‌اند چنین کاری کنند.

● نظرتان درباره‌ی همین موسیقیهای فیلمهای اخیر که دیدید، چیست؟

- من فیلمهای زیادی ندیده‌ام که جواب معتبری بدهم. ولی آن چیزی که در این مدت دیدم، هم در تصاویر و هم در موسیقی فیلمها، این است که بار انسانی در فیلمها حجم زیادی دارد و به خوبی این معنا القا می‌شود.

● وقتی از اینجا بروید، چه خاطره‌ای با خودتان می‌برید؟

- این سؤال خیلی شخصی است. من احساسهای مثبت زیادی در اینجا به دست آوردم. اینجا کارها خیلی حرفه‌ای است. از صمیم قلب از من استقبال شد. میهمان نوازی کردند. چند روز پیش شنیدم که من اولین شخصی هستم که در سینمای ایران به این شکل کار کرده‌ام، این برای من افتخار است، از بابت جایزه‌ای هم که به من دادند خوشحالم.

● دلمان می‌خواهد بدانیم نظر شما در مورد فیلم و حاتمی‌کیا چیست؟ خصوصاً که برای موسیقی هم دستمزدی نگرفته‌اید؟

- اگر نظر صادقانه من را می‌خواهید، به نظر من حاتمی‌کیا در این زمان مهمترین کارگردان ایران است. حاتمی‌کیا کسی است که نه تنها در ایران، حتی در کشورهای مختلف هم شناخته شده است. گذشته از آن، تسلط بر کار و قدرت شخصیت او مخصوصاً در این فیلم روشن است. در جنگ وحشتناک بوسنی او از انسان حرف می‌زند. این بهترین دلیلی است که بگویم تمام قدرتم را [روی این کار] می‌گذارم. البته ممکن است در ایران کسی من را درک نکند ولی در اتریش به دلیل ارتباط خیلی نزدیک با بوسنی و حتی ارتباط فامیلی، خیلی عمیق با این جنگ وحشتناک درگیر شده‌ایم. خیلی از پناهنده‌های بوسنی به اتریش آمده‌اند که خود من برایشان کنسرتی اجرا کردم.

این فیلم، نه فیلمی به آن مفهوم جنگی و نه فیلمی تبلیغی است. نقطه ثقلش بوسنی است. داستان یک ایرانی، اصل قضیه است. درد انسانهایی که در بوسنی هستند و زجر می‌کشند و

بیان موقعیت آنها، این نخستین فیلمی است که به صورت بین‌المللی از بوسنی حرف زده است. مخصوصاً با کیفیتی که ایشان (حاتمی‌کیا) ارائه دادند. نباید به چشم جایزه این فیلم را دید، مهم این بود که این کار اتفاق افتاد.

● صحبت دیگری دارید؟

- از شما متشکرم. سؤالهای شما نشان داد در این زمینه مسئولید و از این بابت خوشحال هستم که پاسخگو بودم.

